



پس از نگارش مقاله از لنز نا ظهور، ضرورت بررسی جامع تر یکی از بندهای آن مطلب موجب گردید تا در مقاله ای جداگانه به پیشینه تاریخی یکی از مهم ترین تصاویر انقلاب که با وجود مقبولیت و شخصی ویژه، مدت‌هاست که در مجامع و مطبوعات مشاهده نمی شود، بپردازیم. باشد که از این رهگذر به روشن شدن یکی دیگر از نکات مبهم تاریخ عکاسی انقلاب مدد رسانده باشیم.

مرضیه فلاح

یک عکس؛ چند نکته...

اساطیر کهن بود، به دقت مشاهده کرد.

اما در این میان، برخی از عکسها هم هستند که با موفقیت و مهارت، هر دو وجه را در خود باز تابانده اند. از جمله عکسی که مورد نظر ماست. این عکس که متأسفانه نام عکاس آن را نمی‌دانیم و اینکه ایرانی است یا خارجی و نه روز دقیق گرفتن آن را و نه متأسفانه هر چه گشیم، با وجود تکثیر انبوه و تیراژ آن در سطح میلیونی در آن روزهای انقلاب، نسخه ای کامل از آن را هم نیافتیم. چند جهت قابل بحث و شباهت یک توجه دوباره است که این شماره ویژه و یادداشت «عکاسی انقلاب از لنز تا...» بهانه و فرصت مناسبی برای این امر فراهم ساخت. اینک چند نکته لازم در باره این عکس:

۱) عکس یاد شده قطعا در اوایل پائیز ۱۳۵۷-۱۹۷۸ و در اتاق ملاقاتهای عمومی امام (در محل اقامت ایشان در نوفل لوشاتو، تویپارس) گرفته شده و سپس به سرعت به ایران راه یافته و با توزیع و تکثیر و شگفت آور و در شمارگانی میلیونی، به تدریج تبدیل به عکس رسمی انقلاب و مهم ترین، بزرگ‌برترین و محبوب‌ترین عکس از امام در سراسر ایران گردیده است.

۲) یک نگاه سریع و گذرا به عکسها، فیلمها و اسلایدهای آرشیوی انقلاب نشان می دهد که این عکس تا حد حد در راهپیمائیه و تظاهرات خیابانی حضور داشته، بر سینه مردم نصب می شده، در ابعاد بزرگ برعلمها و پرچمها نقش می بسته و حتی شبیه شمایل نگاریها و مینیاتورهای ایرانی (دو منظر از فرهنگ تصویری و هنرهای تجسمی و دریافت بصری ایرانیان) در چند مورد نقاشی شده که آن هم با تکثیر فراوان مورد استقبال قرار گرفته است و حتی در مواردی همراه با محصولاتی دیگر نظیر لامپ، صنایع دستی، انواع چراغ، ظروف تزئینی و لوازم منزل در آن دوران به کرات دیده می شد که خیلی از تولید کنندگان این وسائل، خارجی (از جمله ژاپنی) بوده اند.

۳) برخوردار بودن همزمان عکس از دو جنبه: ارائه چهره ای قاطع، مبهم، جدی و سخت مطمئن و مقاوم از صاحب آن در عین ترسیم شمائی تقریبا کامل از یک مرد استثنائی، یک قهرمان تاریخی و یک انسان قابل اتکا، و اطمینان که از اعتماد به نفس و اراده لازم به منظور رهبری و پیشتازی یک انقلاب برخوردار است و در مجموع به او حالت

و خصالتی انگاره ای (iconic)

و نمادین (symbolic) با همه کارکردهای خود در بازتولید ایده و نمودگار شخصیتی یک انسان و قیفا در راستای جنبه مقدس، معنوی و مصلحانه شخصیت، رفتار و روانناسی چهره امام بخشیده و آن را از

عکاس این عکس تاریخی کیست؟ اکنون کجاست؟ عکس در چه تاریخی گرفته شده؟ چگونه و در چه شرایطی به ایران راه یافته و مشخصا توسط چه کسی و در کجا برای اولین بار تکثیر و توزیع شده؟ و حرفهای احتمالا ناگفته ای که در جریان این مسئله، باید سخت شنیدنی باشد. این نوشتار را تنها به قصد یافتن این حلقه های از یادرفته می نویسیم تا مبادا در گذر زمان، دستخوش فراموشی گردد.

در یادداشت «عکاسی انقلاب...» بندی به ضرورت اختصاص یافتن بخش قابل توجهی از میراث «تاریخ نگاری تصویری انقلاب» به «شخص امام خمینی (ره)» به عنوان محور بنیادین و خاستگاه اصلی انقلاب و کانون شکل گیری تمامی انگیزه ها، رویدادها و حرکت‌های منتضی به تحقق این پدیده در تاریخ ایران و لزوم شناسایی آن به عنوان یک بخش مستقل و قابل تحلیل و نامل جدی، اشاراتی شده بود. عکسهای به جا مانده از حضور، موقعیت و تاثیر و نفوذ امام در گستره ای عظیم و یکپارچه به نام انقلاب که یک هسته و مرکزیت کانونی را در خود داشت، شامل سه دسته می شود:

۱) عکسهای خود امام به صورت پرتره
۲) عکسهای آن حضور افراد، گروهها، دیدار کنندگان عمومی و شخصیهای سیاسی مختلف (که بعدها هر یک در امتداد مسیر انقلاب سمت و سویی جداگانه یافتند) با امام
۳) عکسهای که نشانگر گستردگی و فراگیری تصویر امام به مثابه نماد و سمبل انقلاب در تظاهرات خیابانی و نمایهای جمعی و انبوه از حضور و مشارکت مردمی در صحنه های انقلاب است. در گروه اول (شامل عکسهای شخصی امام خمینی)، شماری درونی و فردی (پرسونا) شخصیتی که الهام بخش و انگیزه آفرین انقلاب و راهبر و مقاوم این شخصیت به عمق فردیت و حریم درونی او نفوذ کنند و از حریان ساز تمامی اتفاقاتی که مسیر منتضی به این حرکت تاریخی را شکل بخشید، بیشتر می تواند مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد و اینکه عکاسان تا چه حد و کدامیک توانسته اند در گذر از پوسته نفوذ ناپذیر و مقاوم این شخصیت به عمق فردیت و حریم درونی او نفوذ کنند و از وای موانع و محدودیت‌های ذاتی ابرازی به نام «دوربین» او از پس حجاب تکنیک، ترکیب بندی و... این «شمای شمایل گون»، اسطوره ای، آرمانی را که چهره اش به مثابه باز آفرینی تمثیل تبارشناسی «اسلام انقلابی» و تاریخ خونبار و پر خیزش و جنبش «مقاومت شیعی» محسوب می شد، انعکاس دهند و اساسا تحلیل چگونگی و چرانی موفقیت رسانه «عکاسی» در رساندن این روح، عشق و معنای باطنی (تا حد امکان و نه به کمال) به مخاطبان انبوهش در ایران، کشورهای اسلامی و سراسر جهان، نکاتی حائز اهمیت به شمار می روند. در این بخش باید توجه داشت که عکاسی از شخص امام، دو کارکرد اصلی داشته است: ۱) وجه شعاری و به ضرورت انقلاب و موقعیت رهبری امام؛ که در آن تأکید بر استواری، اراده، خشم، قاطعیت، صلابت، قدرت تصمیم گیری، استحکام و سازش ناپذیری در چهره ایشان منظور نظر بوده و عمدتا کارکرد آن در ایجاد و تحکیم روح پایداری و قهرمانی و پرداخت حساسی و انقلابی به همراه شعارها و نقل قول‌هایی مبتنی بر همین (نقش - ضرورت) تعریفی و خلاصه شده است. گفتنی است بیشتر عکسهای این گروه در قالب پوستر، تراکت، پلاکاره و به عنوان نماد انقلاب در ابعاد بزرگ و کوچک و در سطح گسترده و تیراژ انبوه در دست راهپیمایان کاربرد داشته است.

۲) وجه شخصیت پردازانه، درونی و کاراکترستیک امام؛ که در این دسته عکسهای منحصر به فرد و ماندگاری که توسط عکاسان ایرانی (دو طول اقامت حضرت امام در پاریس عمدتا توسط عکاسان خارجی) گرفته شدند، نشانه ای از جسارت، تلاش و هوشمندی ستودنی آنان هستند که با شناخت حالات و روحیاتی و رای جنبه های ظاهری و پیش انگاره های ذهنی، نقیبه به باطن چهره و نمایش آن وجه فردی و کمتر علنی شده و آشکار دارد. می توان مشخصه های راهبایی و نفوذ قاطع و بی نظیر امام در لایه های روانشناختی - عاطفی و محبوبیت باورپذیری شدید و خارج از توصیف او را در تمامی صحنه های تاریخ انقلاب و جنگ و نیز بخشیدن تقدسی شمایی و حرمتی آئینی به عکس امام را در همین پارتمانی نسبتا روشن و اثرگذار از روح امام و تجلی و بازتاب همه آن معصومیت، معنویت، مهربانی و لطافت روحی در کنار قدرت، قاطعیت و آشنی ناپذیری او که در ترکیب آرمانی خود یادآور تمام آرزوهای جمعی سرکوب شده و به محاق رفته در پس اعصار دور و

چنین توفیق و استقبالی در سطح عامه برخوردار ساخته است. این عکس بی تردید در ایام منتضی به پیروزی انقلاب و در تمامی جماعات وسیع و میلیونی مردم (نظیر راهپیمائیهای تاسوعا-عاشورا، اربعین، فرار شاه و...) عکس رسمی امام بوده است (همچنان که عکس علی کاوه از امام، در سالهای اخیر از چنین جایگاهی برخوردار بوده است). توجه دوباره به این عکس می تواند در مسیر یافتن یکی از حلقه های مفقوده و روشن شدن یکی از نقاط مبهم در انتقال این میراث ارزشمند قرار گیرد. به ویژه آنکه این عکس را در کنار صدها عکس و فیلم دیگر که محبوبیت، عشق، ابراز احساسات و عواطف و دلچسبگی شدید هزاران انسان را از هر جنس و سن به آن به مثابه «نمونه نوعی» و مظهرینی از حضور امام در میان مردم خویش، نمونه ای بیبیکال از نوعیت و هویت منحصر به فرد چهره امام در نظر آوریم، این ضرورت، بدیهی تر می نماید. چهره ای که «اوربانا فالاجی» آن را یکی از چهره های سخت تاثیرگذار و جذاب در میان تمام شخصیهای سیاسی و رهبران جهان در تاریخ معاصر توصیف کرده توصیف کرده بود و «اریک رولو» آن را چهره ای که یک خواست تاریخی را هر ساله را در خود منعکس نموده و آن را در مقام یک «انمنجی» بزرگ نشانده و «کریستین تیر» آن را چهره ای که «گوتی» از عبق حیات و باور مقدس و بیگانه با جهان غرق در مناسبات مادیگرانه و تکنولوژی و انسان‌ها را به مشاهده دنیائی جدید و ناشناخته فرامی خواند و امتداد نگاهش به افقهای ناپافته یک روح پنهان پیوسته است.

۵) و بالاخره: عکاس این عکس تاریخی کیست؟ اکنون کجاست؟ عکس در چه تاریخی گرفته شده؟ چگونه و در چه شرایطی به ایران راه یافته و مشخصا توسط چه کسی و در کجا برای اولین بار تکثیر و توزیع شده؟ و حرفهای احتمالا ناگفته ای که در جریان این مسئله، باید سخت شنیدنی باشد. این نوشتار را تنها به قصد یافتن این حلقه های از یادرفته می نویسیم تا مبادا در گذر زمان، دستخوش فراموشی گردد. نوشته حاضر را با سخنی از «روبن ورشکالسون» نویسنده و تحلیلگر برجسته غربی به پایان می برم:

«... در یک لحظه، به هنگام ربه روشن شدن با او امام تمامی انگیزه های انقلاب، تاریخ سرنگونی شاه، فرهنگ شهادت و تمدن گدشته اسلامی را یکسره دیدیم. تمامی آنها در چهره و نگاه او خلاصه شده بود و گویا خداوند، همه چیز را در او جستجو می کرد. در یک لحظه، خمینی با همه حالات چهره اش، با نظم و آرامش و روحانیت حاکم بر رفتارش خود قرآن شده بود که همیشه از آن می گفت و مرا به یاد سخن مسیح (ع) انداخت که: «تا متحول نشوید و تولدی دو باره نیابید، در ملکوت آسمان وارد نمی شوید.» او منبع یک شعله زنده بود. تجربه شگفت مواجه شدن با او، تجربه غوطه ور شدن در ریالی از مکتشفه یک از مقدس، یک ایمان شور و هیجان سیال و یک حقیقت اوج گیرنده و به سرعت گسترش یابنده در دنیای پیرامون و فضای قلب و ذهن حاضران بود. آیامی شد این تجربه یگانه در تمامی زندگی را به همین زودی فراموش کرد؟...»

